

جهان‌شهر

دوشنبه ۱۲ آذر ۱۴۰۳
شماره ۴۲۹۴
<div><div><div>ف</div><div>فارحیکه</div></div></div> <div><div><div>ف</div><div>ارحیکه</div></div></div>

مقاله‌های پیشنهادی

مقاله‌های پیشنهادی

مقاله‌های پیشنهادی

مقاله‌های پیشنهادی

مقاله‌های پیشنهادی

مقاله‌های پیشنهادی

مقاله‌های پیشنهادی

مقاله‌های پیشنهادی

مقاله‌های پیشنهادی

مقاله‌های پیشنهادی

مقاله‌های پیشنهادی

مقاله‌های پیشنهادی

مقاله‌های پیشنهادی

مقاله‌های پیشنهادی

مقاله‌های پیشنهادی

مقاله‌های پیشنهادی

دونالد ترامپ با هشدار اعمال تعرفه‌ها از اعضای بریکس خواست دلار را از مبادلاتشان کنار نگذارند

ما را دور نندازید!

مآنده زمان‌شمنی خبرها:

در همه جای دنیا پیش می‌آید که نامزد انتخابات ریاست جمهوری پیش از ورود به کاخ ریاست جمهوری و در کوران رقابت‌ها برای کسب آرای مردم، سخنانی را بر زبان بیاورد که کوچک‌ترین اعتقادی به آن نداشته باشد. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب آمریکا نیز از این قائده مستثنی نیست؛ اما با این حال، رئیس‌جمهور منتخب آمریکانشان داده که در بسیاری از مواقع، به آنچه در رقابت‌های انتخاباتی گفته، عمل کرده است. او دیروز از کشورهای عضو بریکس خواست که دلار را از چرخه مبادلات اقتصادی‌شان، کنار نگذارند ولایه آن واکنش نشان خواهد داد. ترامپ چند هفته پیش و در جریان کمپین انتخاباتی در ویسکانسین در سه سیتامبر گفته بود بسیاری از کشورها در حال کنار گذاشتن دلارند. او به هوادارانش وعده داده بود که این کشورها «این کار را با من نخواهند کرد» چراکه اگر آنها دلار را کنار بگذارند، «با ایالات متحده تجارت نخواهند کرد» و واشنگتن «صددرصد تعرفه» بر کالاهای این کشورها وضع خواهد کرد. حال‌ترامپ مخاطب این هشدار را پیدا کرده است. او دیروز به عنوان رئیس‌جمهور منتخب آمریکا که هنوز پا در کاخ سفید نگذاشته، کشورهای عضو گروه اقتصادی بریکس را تهدید کرده که در صورت ایجاد جایگزینی برای دلار، برای آنها تعرفه اعمال خواهد کرد. ترامپ با انتشار پستی در فضای مجازی گفت: «ما از این کشورها می‌خواهیم که ارز جدید بریکس ایجاد نکنند یا از ارز دیگری برای جایگزینی دلار قدرتمند آمریکا حمایت نکنند، در غیر این صورت آنها با تعرفه‌های صددرصدی مواجه خواهند شد.» او گفته در صورت کنار گذاشتن دلار به عنوان ارز مبادلاتی، علاوه‌بر تعرفه، «تجارت با آمریکا» هم برای این کشورها «محدود» خواهد شد.

گروه اقتصادی بریکس چیست؟

سال ۲۰۰۹ بود که با پیشنهاد روسیه و همکاری برزیل، هند، چین و آفریقای جنوبی گروه اقتصادی بریکس تشکیل شد. کشورهای عضو بریکس به دنبال تقویت همکاری اقتصادی و تجاری بین اعضايند. این کشورها بریکس را به عنوان جایگزینی برای نهادهای بین‌المللی تحت سلطه قدرت‌های غربی می‌انند و امیدوارند با عضویت در آن بتوانند از مزایایی چون توسعه اقتصادی و افزایش تجارت و سرمایه‌گذاری بهره‌مند شوند.

در سال‌های اخیر کشورهای مصر، اتیوپی، ایران و امارات هم به عضویت بریکس درآمدند و حالاً بیش از ۴۰ کشور دیگر، ازجمله ترکیه هم برای عضویت در بریکس، ابراز تمایل کرده‌اند. کشورهای بریکس نیمی از جمعیت جهان را تشکیل می‌دهند و ۲۸ درصد از قدرت اقتصادی را در اختیار دارند. مجموع تولید ناخالص داخلی کشورهای بریکس در سال جاری میلادی بیش از ۲۶ تریلیون دلار بود که حدود ۳۶٫۷ درصد از اقتصاد جهانی را تشکیل می‌داد. بریکس را می‌توان چالشی جدی برای سلطه چندین ساله دلار و آمریکا در اقتصاد جهان دانست. ریچارد وولف،



تحلیلگر اقتصادی گفته بود بریکس جدی است و توهم نیست و می‌تواند نقش مهمی را ایفا کند. لولا داسیلوا رئیس‌جمهور برزیل، سال گذشته میلادی پیشنهاد ایجاد یک ارز مشترک در آمریکای جنوبی را برای کاهش اتکا به دلار آمریکا داد. این موضوع و قدرتمندتر شدن بریکس، نگرانی‌هایی جدی برای واشنگتن به وجود آورده، موضوعی که با معرفی سیستم مالی گروه بریکس، تهدیدی برای هژمونی دلار در جهان است.

بریکس چگونه به سلطه دلار پایان می‌دهد؟

نخست امسال بریکس در قازان روسیه با رونمایی از طرح بریکس پی توسط ولادیمیر پوتین، رئیس‌جمهور روسیه همراه شد؛ طرحی که به عنوان یک شبکه پرداخت طراحی شده است. با این طرح، کشورهای عضو این گروه می‌توانند سیستم مالی جهانی که بر دلار مبتنی است را دور بزنند. اگر کشورهای بریکس بتوانند مستقیماً با هم تجارت داشته باشند و پرداخت‌ها را با ارزهای خودشان تسویه کنند، اتکا به دلار کاهش می‌یابد و اکوسیستم مالی پایدارتری ایجاد خواهد شد. سی‌ان‌ان درباره سیستم مالی گروه بریکس نوشته: «استفاده از ارزهای بریکس و شبکه‌های بانکی خارج از سیستم دلار آمریکا می‌تواند به کشورهای عضوی مانند روسیه، چین و ایران اجازه دهد تا تحریم‌های غرب را دور بزنند.»

در همه این سال‌ها که هژمونی دلار بر اقتصاد جهانی سایه انداخته است،

چرا ائتلاف سلفی‌های تروریست نمی‌تواند موقعیت پایدار ایجاد کند؟

جزیره سرگردانی

حمایت عمومی گسترده، توانایی آن‌ها برای پیشبرد هرگونه پیشرفت واقعی یا ارائه حفاظت به شدت محدود است. برای بسیاری، امید به آینده‌ای بهتر همچنان دور از دسترس به نظر می‌رسد.

تروریست‌ها قادر به تأمین ثبات خواهند بود؟

در هفته‌های اخیر، درگیری‌ها در سوریه شاهد تشدید چشمگیری بوده است، به‌ویژه با تهاجم دوباره تروریست‌های سلفی به شهر استراتژیک حلب. حلب که زمانی مرکز اقتصادی و فرهنگی سوریه بود، از آغاز جنگ داخلی این کشور کانونی برای درگیری‌ها بوده است. حملات اخیر توجه‌ها را به این سؤال جلب کرده است که آیا این گروه‌ها می‌توانند در مناطقی که تحت‌تصرف دارند، ثبات بلندمدتی برقرار کنند؟ یا توجه به اینکه عوامل نظامی، سیاسی و بشردوستانه در این روند تأثیرگذار هستند. پرسش مهم اینجاست که سلفی‌ها تا چه اندازه می‌توانند مناطق تصرف‌شده را به صورت پایدار تثبیت و به قلمرو خود بیفزایند.

میدان جنگ در حال تغییر

حلب مدت‌هاست که نماد ویرانی‌های ناشی از جنگ داخلی و تروریسم سلفی بوده است. این شهر برای مدت زیادی میان نیروهای دولتی و سلفی تقسیم شده بود و در سال ۲۰۱۶ پس از حمایت‌های ایران و روسیه، دولت سوریه کنترل بیشتر مناطق حلب را به دست گرفت. با این حال، هنوز جیب‌های تروریست‌ها در حاشیه‌های شهر و مناطق اطراف آن باقی‌مانده بود. تهاجم اخیر تروریست‌ها، از جمله ارتش آزاد سوریه و جبهه تحریر شام، نشان‌دهنده اهمیت فوق‌العاده این شهر است.

با وجود پافشاری تروریست‌ها، آن‌ها با موانع بزرگی برای تثبیت هر منطقه‌ای که به دست می‌آورند، مواجه‌اند. دولت سوریه که از حمایت حملات هوایی، توپخانه و نیروی نظامی روسیه برخوردار است، در این نبرد به شدت برتری دارد. تروریست‌ها در مقابل چنین قدرتی با مشکلات زیادی مواجه‌اند و حمله‌اخیر به حلب بعید است که این برتری را تغییر دهد. حملات هوایی و توپخانه‌ای ارتش سوریه باعث بی‌ثباتی در مناطق تحت‌کنترل تکفیری‌ها شده و به نظر نمی‌رسد که این آخرین حمله هم از این قاعده مستثنی باشد. همچنین بانگاهی به اخبار میدانی می‌توان دریافت که پس از پیشروی برق‌آسای تکفیری‌ها به سمت حماد، این گروه‌های سلفی در شهر حماد توسط ارتش سوریه متوقف و زمینگیر شده‌اند و از پیشروی بازمانده‌اند. علاوه‌بر این، پراکندگی گروه‌های تروریستی را برای تثبیت مناطق تحت کنترل آن‌ها دشوارتر می‌کند. گروه‌هایی مانند جبهه تحریر شام که پیش‌تر با القاعده ارتباط داشتند، غالباً با دیگر گروه‌ها بر سر کنترل مناطق و تفاوت‌های ایدئولوژیک درگیر می‌شوند. این اختلافات داخلی باعث می‌شود که امکان ایجاد یک استراتژی منسجم برای حکمرانی یا دفاع وجود نداشته باشد، که به نوبه خود تروریست‌ها را در برابر حملات خارجی و نفاق‌های داخلی آسیب‌پذیر کرده و فرصت پیشروی را برای آنها محدود می‌کند.

موانع سیاسی و حکومتی

بر فرض محال، حتی اگر تکفیری‌ها بتوانند برای مدت کوتاهی بخش‌هایی از حلب را تحت کنترل خود درآورند، توانایی آن‌ها در تثبیت این مناطق ابتدا به توانمندی نظامی آن‌ها و در مرحله بعدی به حکمرانی‌شان بستگی دارد. یکی از



آمریکایی‌ها با دلار به عنوان ابزار قدرت، کشورهای مختلفی مثل ایران، چین، کویت و… را تحریم می‌کردند. حالا با معرفی بریکس پی، آمریکایی‌ها به این باور رسیده‌اند که دیگر قدرت مطلق اقتصادی نیستند و نمی‌توانند کشورهای دیگر را برای همسو کردن با خودشان، تحریم کنند.

تحریم، دلار را ضعیف می‌کند

مقامات امنیت ملی آمریکا هم نگرانند که تضعیف دلار می‌تواند گزند تحریم‌های آمریکا علیه کشورهای دیگر مانند روسیه و ایران را از بین ببرد. این تحریم‌ها به استفاده از دلار به عنوان ارز غالب در تجارت و امور مالی جهانی بستگی دارد. اگر ارزش دلار به اندازه‌ای کاهش یابد که سایر کشورها به استفاده از ارز دیگری در معاملات بین‌المللی روی بیاورند، خزانه داری آمریکا دیگر نمی‌تواند آن دارایی‌ها را مسدود کند. از همین رو دونالد ترامپ در یک سخنرانی خود گفته بود با کنار گذاشتن دلار، تحریم‌های آمریکا، دیگر اثر مطلوب نخواهد داشت. او در این باره گفته بود: «مشکلی که ما با تحریم روسیه و دیگر کشورها داریم این است که تحریم، دلار را ضعیف می‌کند. من خودم قبلاً از ابزار تحریم استفاده می‌کردم اما آنها را اعمال و در اسرع وقت لغو می‌کردم چون تحریم درنهایت باعث مرگ دلار می‌شود و هرچیزی که دلار نماد آن است را از بین می‌برد. ما باید جایگاه دلار را به عنوان واحد پول بین‌المللسی حفظ کنیم؛ چراکه به نظرم اگر دلار را بیازیم مثل این است که جنگ را باخته‌ایم.»



بزرگ‌ترین مشکلات این گروه‌ها در طول درگیری‌ها ناتوانی در ایجاد یک سیستم کارآمد در مناطقی است که تحت‌تصرف دارند. بدون یک مرجع مرکزی، مناطق تحت کنترل آنها اغلب به هرج و مرج کشیده می‌شوند و شوراهای محلی در ارائه خدمات ابتدایی مانند بهداشت، برق و آب آشامیدنی عاجزند. وضعیت در حلب بدتر از این هم است. این شهر که سال‌ها زیر بمباران و درگیری‌های زمینی آسیب دیده، نیازمند بازسازی فوری است. نتایج نگاه ضداجتماعی و میلیتاریستی این گروه‌ک‌ها سال‌ها در ادب و شهرهای مرزی ترکیه آرموده شده و ناتوانی ذاتی این گروه‌ک‌ها برای دولت‌سازی را ثابت کرده است.

ارائه خدمات اولیه در شهری که به ویرانه تبدیل شده، چالشی بزرگ خواهد بود. سلفی‌ها همچنین برای مدیریت زیرساخت‌ها و منابع موجود با مشکلات جدی روبه‌رو خواهند بود. در حالی‌که عدم شناسایی بین‌المللی، که برای تأمین کمک‌های خارجی با سرمایه‌گذاری ضروری است، تقریباً وجود ندارد. در حالی که کشورهایمانند ترکیه از برخی گروه‌های تروریستی حمایت کرده‌اند، حمایت بین‌المللی همچنان ناپایدار و اغلب انگیزه‌های سیاسی دارد و این امر موجب می‌شود که این گروه‌ها نتوانند مشروعیت لازم برای دسترسی به منابع مورد نیاز برای بازسازی را به دست آورند.

ائتلاف شکننده؛ ایدئولوژی‌های متضاد

ناپایداری و عدم ثبات، محدود به مناطق تحت تصرف و تسلط سلفی‌های معارض نیست. تعارض و تناقض‌های ذاتی درون این ائتلاف، احتمال فروریاش و گسست درون این اتحاد سلفی را افزایش داده است. در قلب ناپایداری این ائتلاف، تفاوت‌های ایدئولوژیک میان اعضای آن قرار دارد. گروه‌های سلفی که به تفسیر سخت‌گیرانه‌ای از شیعت اسلامی تکیه دارند، به طور اساسی با گروه‌های معارض سکولار که جداشدگان ارتش سوریه هستند؛ در تضاد قرار دارند. این تفاوت‌های ایدئولوژیک که اغلب در برابر دشمن مشترک (دولت رسمی سوریه) کنار گذاشته می‌شود، نمی‌توانند برای مدت طولانی نادیده گرفته شوند. دیدگاه سلفی‌ها در مورد یک دولت‌تروریستی که مشابه آن چیزی است که منطقه در موصل در تسلط داعش تجربه کرده است، کاملاً در تضاد با آرمان‌های سکولار بسیاری از گروه‌های تروریستی است که با گرایش‌های سلفی رهبر این ائتلاف زاویه دارند. سلفی‌ها، از جمله گروه‌های برجسته تروریستی مانند هیئت تحریر شام، کتابت نورالدین زنکی و جیش العزه، هیچ علاقه‌ای به مذاکره درباره یک توافق سیاسی پس از اسد ندارند که شامل گروه‌های مختلف مردم سوریه با اقلیت‌ها باشد. در مقابل، بسیاری از گروه‌های تروریستی سکولار، چشم‌انداز تشکیل یک دولت شبه داعشی برای آینده سوریه ندارند.

درگیری‌های داخلی

علاوه‌بر تفاوت‌های ایدئولوژیک، درگیری‌های قدرت در درون ائتلاف نیز تهدیدی جدی برای انسجام آن است. شش گروهی که این ائتلاف را تشکیل می‌دهند نه تنها از نظر سیاسی و دینی متفاوتند، بلکه از نظر ساختارهای سازمانی نیز با یکدیگر تفاوت دارند. گروه‌ها، به‌ویژه آن‌هایی که به ترکیه و غرب وابسته‌اند، معمولاً ساختار یافته‌تر و منظم‌ترند. در حالی‌که گروه‌های سلفی که شبکه‌های غیرمتمرکز دارند، می‌توانند بسیار غیرقابل پیش‌بینی‌تر باشند. این تفاوت‌ها در نحوه اداره و فرماندهی می‌تواند زمانی که به تصمیم‌گیری و هماهنگی نظامی می‌رسد، اصطکاک ایجاد کند.

یک مقام سابق دولت ترامپ هم در این باره گفته بود: «اثر تحریم‌ها به داشتن یک ارز ذخیره جهانی توسط ایالات متحده بستگی دارد، بنابراین فکر می‌کنم تنش آشکاری بین دو هدف وجود دارد، یکی کاهش کسری تجاری و دیگری تضمین اثربخشی تحریم‌ها.» ترامپ برای جلوگیری از کاهش ارزش دلار و اینکه بریکس را رقیب و چالشی جدی برای سلطه دلار و آمریکا می‌داند، حالا به تهدید روی آورده، تهدید تعرفه‌گذاری صددرصدی برای کشورهای عضو بریکس.

تعرفه چیست؟

تعرفه‌ها نوعی مالیاتند که بر واردات از کشورهای دیگر اعمال می‌شود. اقتصاددانان می‌گویند هزینه‌ها تا حد زیادی به مصرف‌کنندگان منتقل می‌شود. کشورهای مختلف از تعرفه‌ها برای محافظت از صنایع داخلی مانند کشاورزی و انرژی‌های تجدیدپذیر و همچنین برای مقابله‌به‌مثل در برابر اقدامات تجاری ناعادلانه سایر کشورها استفاده می‌کنند. ترامپ بیش از هر رئیس‌جمهور دیگری در آمریکا تعرفه اعمال کرد، به‌ویژه علیه چین. بایدن هم تا حد زیادی این تعرفه‌ها را در جای خود باقی گذاشته و در عین حال تعرفه‌های خودش را هم تحمیل کرده است. کشورهای سراسر جهان مدت‌هاست که از تعرفه‌ها برای تقویت صنایع داخلی با ترغیب شهروندان به خرید کالاهای تولید داخل استفاده می‌کنند. با این حال، پس از جنگ جهانی دوم، تعرفه‌ها عمدتاً در اقتصادهای پیشرفته از بین رفت، چون اغلب منجر به کاهش تجارت و قیمت‌های بالاتر برای مصرف‌کنندگان می‌شود. دونالد ترامپ اما این سنت اقتصادی را شکست و تعرفه‌هایی را بر صدها میلیارد دلار کالاهای وارداتی از چین و سایر کشورها اعمال کرد تا با اقدامات تجاری ناعادلانه مبارزه کند. کسری تجاری کشورش را کاهش دهد و تولید داخلی را تقویت کند. کارشناسان اما معتقدند تعرفه‌گذاری نتیجه عکس دارد و مشکلات بزرگی را برای خود آمریکایی‌ها پیش خواهد آورد.

عقب‌گردی به قرن نوزدهم

موسسه اقتصاد بین‌الملل پترسون در مقاله‌ای درباره نتیجه اعمال تعرفه نوشت: «تعرفه‌های بالا احتمالاً عدم تعادل اقتصاد کلان را بدتر می‌کند، به صادرات آسیب می‌رساند، رشد اقتصادی را کاهش می‌دهد و شوک‌های اقتصادی جدید ازجمله تورم بالاتر را ایجاد می‌کند.»

برخی سرمایه‌گذاران هم بر این باورند که تعرفه‌ها درنهایت می‌تواند به اقتصاد آمریکا آسیب برساند، چون می‌تواند هزینه‌ها را برای مصرف‌کنندگان افزایش دهد، زنجیره تأمین را مختل کند و حجم تجارت را کاهش دهد. همه اینها می‌تواند چشم‌انداز تقویت دلار را در آینده کاهش دهد. یک مطالعه توسط دویچه‌بانک نشان می‌دهد ایده تعرفه‌ها در صورت اجرا، حدود یک‌چهارم از تولید ناخالص داخلی ایالات متحده می‌کاهد. درنهایت می‌توان گفت ایده‌های ترامپ در مورد تعرفه‌ها، ایالات متحده را به قرن نوزدهم بازمی‌گرداند، عقب‌گردی خطرناک که آمریکا را به فقیرا می‌برد.



تنش‌هایی که در درون ائتلاف گزارش شده است، به‌ویژه در مورد کنترل بر سرزمین‌ها و منابع تحت تصرف در ادلب، نشان می‌دهد حتی اگر این گروه‌ها به طور موقت برای اهداف تاکتیکی متحد شده‌اند، معلوم نیست که این اتحاد تا چه مدت قادر به ادامه حیات خواهد بود. رقابت برای سلطه بر مناطق کلیدی سوریه، مانند ادلب و حلب، می‌تواند تنش‌های داخلی را تشدید کند. با توجه به حضور حامیان خارجی –مانند حمایت ترکیه از برخی گروه‌ها و حمایت کشورهای حاشیه خلیج فارس– توازن قدرت در داخل ائتلاف به طور مداوم در حال تغییر است و حفظ وحدت را دشوار می‌کند.

تأثیر بازیگران خارجی

بازیگران خارجی نقش حیاتی در بقای یا فروپاشی این ائتلاف ایفا می‌کنند. گروه‌های سلفی، به‌ویژه هیئت تحریر شام، ارتباطات قوی‌ای با گروه‌هایی مانند القاعده و سازمان‌های تروریستی دیگر دارند. این ارتباطات دینامیک درون ائتلاف را پیچیده می‌کند زیرا بسیاری از گروه‌های تروریستی سکولارتر خود را از ایدئولوژی‌های این گروه‌ها دور نگه داشته‌اند. همچنین، دخالت حامیان بین‌المللی به‌ویژه ترکیه و کشورهای عربی، بر توانایی ائتلاف برای حفظ اتحاد تأثیر می‌گذارد. ترکیه به عنوان مثال از گروه‌های تروریستی که با منافع خود همسو هستند، حمایت می‌کند و مشخص نیست که حمایت‌های قطر و ترکیه تا کجا و به چه صورت ادامه پیدا خواهد کرد و نحوه توزیع این حمایت‌ها بین آنان چگونه خواهد بود.

حمایت بین‌المللی از تروریست‌های سوریه

چالش‌ها و چشم‌اندازهای آینده

آخرین موج حملات تروریست‌ها، به‌ویژه در حلب، نشان‌دهنده حمایت مستمر از سوی ترکیه، قطر و عربستان سعودی برای نیروهای سلفی – تروریستی است. با این حال، توانایی این گروه‌ها در حفظ حمایت بین‌المللی همچنان نامشخص است. جامعه بین‌المللی به طور فزاینده‌ای در مورد نحوه برخورد با درگیری سوریه تقسیم شده است و بسیاری از کشورهای منطقه، از ادامه حمایت از گروه‌های سلفی افراطی، خودداری کرده‌اند.

علاوه بر این، چشم‌انداز ژئوپلیتیکی در منطقه در حال تغییر است. پیوستن مجدد سوریه به اتحادیه عرب و نزدیکی اخیر سوریه به برخی از کشورهای عربی، از جمله عربستان سعودی، باعث تغییر در توازن منطقه‌ای شده است، به طوری که این کشورها در تلاشند روابط خود با دولت بشار اسد عادی سازی کنند. این ممکن است باعث کاهش حمایت از گروه‌های تروریستی توسط کشورهای عربی شود، از جمله قطر و عربستان سعودی، هرچند که ترکیه احتمالاً به حمایت از نیروهای تروریستی به نفع منافع خود ادامه خواهد داد.

در نهایت، آینده ائتلاف تروریست‌های سلفی در سوریه به حمایت مستمر بین‌المللی از این گروه‌ها بستگی خواهد داشت. در حالی‌که ترکیه همچنان حامی قوی آن‌ها باقی می‌ماند، نقش قطر و عربستان سعودی به نظر می‌رسد که کاهش یافته است. توانایی این گروه‌ها در حفظ پایگاه خود در سوریه نه تنها به حمایت خارجی، بلکه به وحدت داخلی نیز بستگی دارد که همواره شکننده بوده است. در حالی‌که درگیری‌های سوریه وارد دوم خود شده است، تروریست‌ها با چالش‌های بزرگی مواجهند، به‌ویژه که آینده سوریه به طور فزاینده‌ای با بازیابی ژئوپلیتیکی در خاورمیانه گره خورده است.